

# Shiraz-Beethoven.ir

## فهرست

|          |                              |
|----------|------------------------------|
| ۵.....   | یادداشت                      |
| ۷.....   | پیش درآمد                    |
| ۱۱.....  | دوران باستانی (دوره اساطیری) |
| ۱۴.....  | دوره ماد                     |
| ۱۷.....  | ایلام (شوش)                  |
| ۲۳.....  | دوره هخامنشی                 |
| ۲۶.....  | دوره پارتی یا اشکانی         |
| ۳۲.....  | دوره پارسی یا ساسانی         |
| ۶۱.....  | دوران اسلامی                 |
| ۶۳.....  | دوره خلفای راشدین            |
| ۶۵.....  | دوره خلفای اموی              |
| ۶۷.....  | دوره خلفای عباسی             |
| ۶۹.....  | نخستین خاندان هنر            |
| ۷۲.....  | زلزل رازی                    |
| ۷۴.....  | تصنیفهای اولیه               |
| ۷۷.....  | احمد سرخسی                   |
| ۷۹.....  | دوره طاهریان                 |
| ۸۰.....  | دوره سامانیان                |
| ۸۱.....  | خوارزمی                      |
| ۸۲.....  | کندی                         |
| ۸۴.....  | فارابی                       |
| ۸۸.....  | ابوالفرج اصفهانی             |
| ۸۹.....  | بوزجانی                      |
| ۹۰.....  | اخوان الصفاء                 |
| ۹۴.....  | ابن سینا                     |
| ۹۶.....  | عمر بن زبیه                  |
| ۱۰۰..... | دوره غزنویان                 |
| ۱۰۱..... | دوره سلجوقیان                |
| ۱۰۲..... | صفی الدین ارموی              |
| ۱۱۲..... | خواجه نصیر طوسی              |
| ۱۱۳..... | قطب الدین شیرازی             |

# Shiraz-Beethoven.ir

- ۱۱۵..... نفائس الفنون
- ۱۱۷..... آل جلاير و عبدالقادر مراغی
- ۱۲۲..... كنزالتحف
- ۱۲۴..... محمود آملی
- ۱۲۷..... بنائی
- ۱۳۰..... رساله جامی
- ۱۳۴..... دوره صفویه
- ۱۳۴..... انيس الارواح
- ۱۳۶..... بهجت الروح
- ۱۳۹..... تغيير نظام ادواری به دستگاہی
- ۱۴۰..... تاريخ سبحان قلی خان
- ۱۴۲..... دوره پس از صفویه : دوره کم خبری
- ۱۴۶..... دومین خاندان هنر
- ۱۵۲..... فرزندان دو استاد
- ۱۵۵..... درویش
- ۱۵۷..... راویان ردیفها
- ۱۵۸..... ردیف
- ۱۶۲..... موزیک (موسیقی غربی)
- ۱۶۵..... استاد وزیری
- ۱۶۸..... تصنیف
- ۱۷۳..... شیدا
- ۱۷۴..... عارف
- ۱۷۴..... امیرجاهد
- ۱۷۵..... رنگ
- ۱۷۶..... موسیقی مذهبی
- ۱۸۱..... موسیقی دانان معاصر
- ۱۸۱..... اواخر قاجار
- ۱۸۲..... نوازندگان نی و فلوت
- ۱۸۲..... خوانندگان (آوازه خوانها)
- ۱۸۲..... تصنیف خوانها و ضرب گیرها
- ۱۸۴..... هنرمندان دوران اخیر
- ۱۸۷..... مآخذ و مراجع

جهان غرب بدان باربیتوس<sup>۱</sup> و باربیتون<sup>۲</sup> گفته‌اند رواج آن را در غرب نشان می‌دهد.

ساز دیگر دوره ساسانی تمبور<sup>۳</sup> است که در فارسی دری بنا بر تبدیل صدای «م» به «ن» تنبور نامیده شده و با رسم الخط عربی به صورت طنبور در آمده است. ظاهراً نوعی از آن بزرگتر بوده یا کاسه‌ای بزرگ داشته است زیرا در رساله پهلوی خسرو قبادان<sup>۴</sup> به صورت تنبور مَس (= مه، بزرگ) دیده می‌شود. فارمر به استناد بعضی از فرهنگهای فارسی، نام این ساز را در اصل دُنبره<sup>۵</sup> می‌داند، مرکب از دُنْبه یا دُنْب به معنی دنباله یا دم و بره یعنی بره یا گوسفند و اشاره می‌کند به تندیس به دست آمده در شوش و محفوظ در موزه لوور پاریس که احتمالاً یادگار دوره کاسیتهاست و طنبور نوازی را نشان می‌دهد [Farmer, Studies, 216] ولی تصوّر می‌شود «تنب» یا «تمب» در نام این ساز به معنی بالا آمده باشد که در تنبک یا دمبک و جزیره تمب نیز وجود دارد با پسوند «ور» که نظیرش در گنجور و مزدور دیده می‌شود [برهان].

«کنار» که در زبان پهلوی مشدد بوده<sup>۶</sup>، سازی است که در عبری «کنور»<sup>۷</sup> و در سنسکریت «کناری»<sup>۸</sup> گفته می‌شده و ظاهراً در هندی بدان کنگره<sup>۹</sup> می‌گفته‌اند [فارمر، به نقل از مسعودی] با یک سیم یا وتر<sup>۱۰</sup> (زه، تار) و کاسه یا جعبه‌ای<sup>۱۱</sup> صوتی به شکل کدو که شاردن<sup>۱۲</sup> جهانگرد معروف، در عصر صفوی آن را در ایران دیده است [همان، 215].

|                           |                  |                  |
|---------------------------|------------------|------------------|
| tambūr_۳                  | barbiton_۲       | barbitos_۱       |
| kinnār_۶                  | dunbara_۵        | Husraw Kawatik_۴ |
| kingara_۹                 | kinnarī_۸        | kinnōr_۷         |
| (Jean Chardin ۱۷۱۳ م.)_۱۲ | sound - chest_۱۱ | chord_۱۰         |

نیشابور به هرات [معین] بوده‌اند که به سائق علاقه به موسیقی، با وجود نداشتن شهرت زیاد در این رشته به تألیف آثاری در موسیقی همت گماشته‌اند؛ چنان‌که بوزجانی ریاضی‌دان و منجمی دانشمند بود ولی کتابی به نام «مختصر فی فنّ الايقاع» را در موسیقی تألیف کرد [همان، 216].

## اخوان الصفاء

اندکی بعد «رسائل اخوان الصفاء» تألیف شد. «اخوان الصفاء» یا به طور کامل «اخوان الصفاء و خلانّ الوفاء» گروهی مسلمان آزاده و شیعه بودند که به استناد فرهنگ اسلامی، خود را برادر - برادر دینی - می‌نامیدند و به صورت پنهانی یا زیر زمینی فعالیت می‌کردند. این گروه معتقد بودند که دین مبین اسلام بر اثر اهمال و فساد خلفای عباسی از صورت اصلی خود منحرف و نیازمند زدودن آلیشها شده است. این بود که برای دور بودن از مرکز خلافت، سازمان مرکزی خود را در بصره قرار داده بودند ولی در بغداد و بسیاری از شهرهای دیگر هم نمایندگی‌های محرمانه‌ای داشتند. اعضاء و به ویژه سران اخوان الصفاء ناشناخته بودند ولی بوئر<sup>۱</sup> مستشرق معروف در مقاله فاضلانیه‌ای که در دائرة المعارف اسلام<sup>۲</sup> نگاشته است بعضی از آنها را معرفی کرده است: «ابوسلیمان محمد بن معشر بُستی» (اهل بُست بین سیستان و غزنین و هرات که در قلمرو ایران بود) معروف به مقدسی، «ابوالحسن علی بن هارون زنجانی»، «ابواحمد مهرجانی» و به قول بوئر، «محمد بن احمد نهرجوری» [رسائل، ۵/۱]. بدین ترتیب معلوم می‌شود که هسته این جمعیت را ایرانیان تشکیل می‌داده‌اند و احتمال

## بهجت الروح

کتاب دیگری که احتمال داده شده است مقارن دوره صفویه تألیف شده باشد «بهجت الروح» است. این کتاب را نخست رابینو<sup>۱</sup> بر اساس سه نسخه خطی کتابخانه بادلیان و کمبریج در سال ۱۹۴۳ میلادی ترجمه و چاپ کرده بود و سپس فارمر به پیشنهاد رابینو تصمیم به چاپ آن گرفت که با درگذشت آنان همچنان باقی مانده بود ولی نسخه دستنویس آنان را کتابخانه مجلس سنای (سابق) ایران خریداری کرد و به وسیله بنیاد فرهنگ (سابق) به سال ۱۳۴۶ شمسی چاپ و منتشر شد.

در یادداشت آغازین این چاپ، به حق، در هویت مؤلف «بهجت الروح» و تاریخ تألیف تردید شده است [۴] زیرا مؤلف خود را: «عبدالمؤمن بن صفی الدین ابن عزالدین بن محیی الدین بن نعمت بن قابوس بن وشمگیر جرجانی می نامد [۱۸] یعنی خلف پنجم قابوس فرمانروای گرگان (۳۶۶ تا ۴۰۳ هـ. / ۹۷۶ تا ۱۰۱۲ م.) از آل زیار؛ و از سوی دیگر از سلطان محمود غزنوی (۳۸۸ تا ۴۲۱ هـ. / ۹۹۸ تا ۱۰۳۰ م.) با جمله دعائیة: «طَوَّلَ اللهُ عَمْرَهُ» [۱۹] که نشانه در قید حیات بودن اوست یاد می کند و طبیعی است که چنین تقارنی از لحاظ تاریخی نمی تواند تحقق پیدا کند. بدین جهت فارمر هم «بهجت الروح» را از آثار آغاز سده هفدهم میلادی (یازدهم هجری) یا دوران صفوی دانسته است [۷]. اما قراینی که متأخر بودن تاریخ تألیف «بهجت الروح» را تأیید می کند نقل عمل گیسو (نوعی تصنیف) و